داکتر سید خلیل الله هاشمیان
۲۰۱٤/ ۱۲/ ۱۵

تبصرۀ بر «روش املای زبان دری»

گرچه این مقاله چندی پیش به نشر رسیده بود ولی بنا به تقاضای مکرر علاقمندان اینک دوباره نشر میشود

مقالۀ دوم شاغلی محترم سید مسعود فارانی تحت عنوان "نباید زبان را ابزار سیاسی ساخت" رساله ای بعنوان "روش املای زبان دری" را مورد تحلیل و تحقیق قرار داده که در دورۀ کمونستی در سال ۱۹٦۳ از جانب (اتحادیۀ نویسندگان جمهوریت دموکراتیک خلق افغانستان) به کوشش پوهیالی پویا فاریابی طبع شده است. واقعاً این رساله برای ثبوت "ابزار سیاسی ساختن زبان" در دورۀ کمونستی یک نمونه و انتخاب بسیار خوب میباشد. من برای درک ظواهر این رساله که بعد از فرار من از وطن چاپ شده و متن آنرا تا امروز نخوانده ام، از مقالۀ محترمه پوهندوی شیما غفوری که به قسم تقریظ بر قسمت دوم مقالۀ شاغلی فارانی چاپ شده و یک تدقیق و تحلیل علمی میباشد، بسیار آموختم. از تدقیق محترمه پوهندوی غفوری که اصل رساله به دسترس شان میباشد، برمی آید که در نسخۀ کامپیوتری آن از جانب پوهیالی پویا فاریابی تصرفات خود نمایی و سیاسی صورت گرفته است. دلیل تصرفات قرار ذیل گزارش یافته است:

"به جای برخی واژه ها و اصطلاحات دخیل و لقب های علمی برخی از استادان که برای خوانندۀ فارسی زبان ناآشنا و سؤال برانگیز است، واژه ها و اصطلاحات رایج در زبان فارسی دری آورده شد که معنی آن برای همه خوانندگان روشن و قابل فهم باشد"...

صرفنظر ازینکه پوهیالی پویا فاریابی، این کمونست ایرانی مشرب، کلمات ساخت ایران ازقبیل (واژه) را در سه سطر دوبار بکار برده، در متن بالا ترکیبانی از قبیل "خوانندۀ فارسی زبان" و " زبان فارسی دری" و "لقب های علمی برخی از استادان که برای خوانندۀ فارسی زبان ناآشنا وسؤال برانگیز است"، بیانگر این واقعیت است که این رساله را خاص برای مطالعۀ مردم ایران چاپ کرده باشند. زیرا افغانها با خواندن و فهمیدن القاب علمی پوهنتون کابل (پوهیالی، پوهیار، پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال، پوهاند) مشکلی ندارند. افغانها در افغانستان "فارسی دری" نمیگویند، یا(فارسی) و یا (دری) میگویند- و"خوانندۀ فارسی زبان" واضحاً مردم ایران است .

پویا فاریابی آنقدر یک شخص بی معلومات است که لقب (پوهیالی)هم به او نمی خواند، زیرا کلمۀ اول در هر یک از لقب های علمی پوهنتون "پوه" است و نام اول خود این شخص (پویا) است که جزءِ اول آن "پوه" میباشد- "پوه" در اوستا و سانسکرت بمعنی تجسس و تحقیق بکار رفته، چنانچه درین دو اصطلاح: (پوینده جوینده است)،(راه پو= راه نما).

پویا فاریابی با سائر پرچمی هائیکه به خاطرتنخواه و تفنگچه مغز شویی شده بودند تا لینن را خدا وشوروی را وطن اصلی خود قبول کنند، همراه پرچمیهای تفنگچه دار به پوهنتون می آمد و در آنوقت (۱۹۷۹) هنوز به حیث محصل شامل نشده بود، اینهم معلوم نیست که او مکتب را تکمیل کرده باشد. بهر حال، مانند سائر کمونست هایکه مکتب را ناخوانده از کوچه ها به پوهنتون آورده شدند، او را نیز شامل فاکولته ساخته و در سال ۱۹٦۳(=۱۹۸٤) پوهیالی ساخته باشند.

اتحادیۀ نویسندگان یک تشکیل سیاسی و غیرعلمی بود و توسط وزارت اطلاعات و کلتور اداره میشد و در سال ۱۹۷۹ بعد از رویکار آمدن ببرک کارمل تأسیس گردید. این اداره مؤظف بود تا استادان غیر کمونست پوهنتون را از پوهنحی های ادبیات وعلوم اجتماعی جذب کند. از مرحوم پوهاند نسیم نگهت و اینجانب دو بار تقاضا و رسماً دعوت کردند، پیرامون آشتی ملی و تغییرذهنیت عامه مقالاتی بنویسیم که در جراید نشر شود. ولی ما گفتیم حاضریم در رشتۀ تخصص و مسلک خود مقاله بنویسیم. ما هر کدام در مدت دو ماه دو مقاله نوشتیم که ابداً نشرنشدند. بخاطر دارم که مرحوم پوهاند نگهت هر دو مقاله خود را پیرامون املاء و انشاء زبان دری نوشته بود. دولت وقت توانست مرحومین پوهاند جاوید و پوهاند الهام را جذب کند، اینها کمونست نبودند،اما همکاری با دولت را قبول کردند، چنانچه پوهاند جاوید را به اکادمی علوم تبدیل کردند، او در آنجا مجله ای بنام (خراسان) را رهبری و نشرمینمود، علاوتاً پوهاند جاوید را در رأس هیأت های فرهنگی چند بار به شوروی اعزام نمودند- به پوهاند الهام که هنوز دیپلوم داکتری نداشت وعدۀ بورس داکتری به اتحاد شوروی دادند. محترم پوهنوال محمد عمر زاهدی که نام او هم در جملۀ اعضای کمسیون تدویر"روش املای زبان دری"شامل شده، در تمام مدت کار خود استاد دیپارتمنت انگلیسی بود و د ررشتۀ ادب ودستور زبان دری هیچ سابقه و تجربه نداشت. چهار نفر متباقی اعضای این کمسیون همه پرچمی های شناخته شده و ایران مشرب بودند. کمونستها در پوهنتون بالای من و مرحوم پوهاند نسیم نگهت عرصه را چنان تنگ ساختند که هر دوی ما یکی بع ددیگر در سال ۱۹۸۰ از کابل فرار و از پاکستان و آلمان به امریکا مهاجر شدیم. باید خاطر نشان شود که کار بالای پروژۀ املاء و انشاء زبان دری قبلاً توسط مرحومین پوهاند نگهت و پوهاند الهام شروع

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شده بود، چنانچه وقتی من در ختم هفت سال تحصیلات در امریکا در سال ۱۹۷۷ به کابل برگشتم، در هر دو پروژه مرا هم به ارتباط زبانشناسی دخیل ساختند، و آنها قبلاً با یکعده دانشمندان به شمول مرحوم پوهاند حبیبی و پوهاند غلام حسن مجددی در زمینه مشوره کرده یاد داشت هایی بقلم این دو پوهاند در آن دوسیه وجود داشت. در دو سال بعد، حداقل پانزده بار ما سه نفر بالای آن دو پروژه کار کرده بودیم. جناب پوهاند غلام صفدر پنجشیری که در آنوقت آمر دیپارتمنت عربی و قبل بر آن آمردیپارتمنت دری بودند، و اوشان نیز در دورۀ خلقی مغضوب قرار گرفته از وطن فرار کرده بودند و اکنون در امریکا زندگی میکنند، از موجودیت پروژۀ تدقیق و اصلاحات در روش املاء و انشاء زبان دری در سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۹ به خاطری خبر دارند که باایشان بحیث عالم ذیصلاح زبان عربی چند بار در زمینه مشوره شده بود. من نقل این اوراق رابخدمت پوهاند پنجشیری می فرستم و نظر شانرا بشما میرسانم. علاوتاً از مرحوم پوهاند رشاد، محقق معروف زبان پشتو، یاد داشتهایی درین دوسیه ها وجود داشت و آن مرحوم نیز گاه گاهی در مجالس ما اشتراک میکردند. در مقدمۀ دستخوردۀ پوهاند الهام (صفحه دوم مقاله فارانی) سوابق پروژۀ (املاء و انشاء زبان دری) را از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۲ و تا سال ۱۳۵۵ میخوانیم که ابتداء در وزارت معارف و بعداً در پوهنحی ادبیات بالای آن کار شده است، در حالیکه آقای فاریابی در آن سالها در دورۀ طفولیت قرار داشته است.

چنین به نظرمیرسد که در سال ۱۳۶۳ کمونیست معروف دستگیر پنجشیری را که عضو بیروی سیاسی بود، بطورسمبولیک رئیس اتحادیۀ نویسندگان ساخته و مقدمه ای را که پوهیالی پویا فاریابی به قلم خود نوشته بالای او کورکورانه امضاء کرده اند. اما خوشبختانه در پاراگراف اول مقدمۀ خود، دستگیر پنجشیری از قدامت این پروژه حتی در زمان حیات مرحوم پوهاند حبیبی شهادت داده است. حماقت دستگیر پنجشیری را در مقدمه اش متوجه شوید که میگوید:"...اتحادیۀ نویسندگان مراتب سپاسگزاری عمیق خود را با اعضای اصلی و مشاور کمسیون و به محترم پویا فاریابی، که در نگارش و اهتمام رسالۀ و روش املای زبان دری، سهم فعال گرفته اند، تقدیم میدارد."(عیناً نقل شده، اشتباهات در انشاء و املاء به نظر میخورند!) حماقت دستگیر پنجشیری درینست که نام "محترم پویا فاریانی" را در"نگارش رسالۀ روش املای زبان دری" شامل ساخته است، در حالیکه نویسندگان این رساله اشخاص دیگر بوده و پویا فاریابی تنها وظیفۀ اهتمام (مهتمم) را داشته است.

در متن دو سطر فوق نام مشاورو یگانه زبانشناس در کمسیون که پوهاند الهام بود گرفته نشده، چونکه او درین وقت در اتحاد شوروی مصروف تحصیل دکتورای خود بود، چنین به نظر میرسد که درینوقت پوهیالی پویا فاریابی یک شخصیت مقتدرحزبی در پوهنحی ادبیات بوده، او دوسیه های مکمل و موجود در الماری دپارتمنت دری را گرفته، اوراق مربوط به پروژۀ انشاء را جدا کرده و اوراق پروژۀ املاء را مطابق میل خود در یک رساله تایپ و چاپ نموده است. من مرحوم پوهاند الهام را از نزدیک میشناختم، او هیچوقت مقالات و پیش گفتارهای خود را در مسایل علمی بدون امضاء خودش بدست نشر نمی سپرد، در حالیکه محترمه پوهندوی غفوری میگوید: "پیشگفتار پوهاند الهام که نمونۀ مختص بخود آنها میباشد، تغییرخورده است."من هم این تغییرات را از روی کاپی مقدمه در مقالۀ شاغلی فارانی ملتفت شدم: الهام هیچوقت "املاء وانشای فارسی" نمی نوشت، بلکه (املاء و انشاء دری) مینوشت. علاوتاً مرحوم پوهاند الهام هرگز(املاء) را "املای" نمی نوشت – در دوسیۀ این پروژه شای دکلمۀ (املاء) بیست بار به قلم مرحومین پوهاند نگهت، پوهاند الهام، پوهاند پنجشیری و من نوشته شده باشد و برایما عیب بود که(املاء) را (املای) و(انشاء) را (انشای) بنویسیم. نکتۀ دیگر اینکه مرحوم پوهاند الهام هرگز و هرگز(پوهنتون) را "دانشگاه" نمی نوشت. او به قبیلۀ صافی پشتون تعلق داشت و در زبان پشتو مسلط بود، حتی اشعاری هم به پشتو دارد. اما مرحوم پوهاند الهام کلمۀ "ویژه" را استعمال میکرد و به مناقشاتی که بین ما سه نفر درین مورد صورت میگرفت، میگفت: "این کلمه در قاموس زبان فارسی شامل است و من به حیث یک دری زبان حق دارم هر لغتی که درین قاموس شامل باشد و خوشم آید، بیرون کشیده استعمال کنم."انتقاد محترمه پوهندوی غفوری قابل تأیید همگان است که میگوید:"از لحاظ شرایط علمی این درست نیست که رسالۀ که توسط اشخاص انفرادی تجدید نظر شده باشد، زیر نام استادان نامی افغانستان به نشر برسد، در حالیکه دیدیم که حتی به نوشته های شخصی آنها در این رساله نیز تصرف شده است".

از شاغلی محترم سید مسعود فارانی باید امتنان داشت که بار اول رسالۀ املاء را چلوصاف کردند، حتی به تقاضای من یک کاپی مقدمۀ فرهنگ عمید سال ۱۳۶۲را در ۱۰ صفحه به من ارسال نمودند- آقای حسن عمید درین مقدمه راجع بدستور زبان فارسی صحبت کرده که به عقیده شاغلی فارانی همین مطالب غیرعلمی را پویا فاریابی در رسالۀ املاء چاپ کابل نقل کرده است. مقدمۀ آقای عمید را خواندم و چون قبلاً او را نمی شناختم، از ورای این مقدمه ملتفت شدم که او باعلم زبانشناسی قطعاً آشنایی نداشته و در بسی موارد جفنگیات را سر داده است که باید در یک مقالۀ دیگر مطرح قرار گیرند، اما مرحوم پوهاند الهام یک زبانشناس بود و او هرگز اجازه نمیداد چنین جفنگیات در رساله ای گنجانیده شود که او عضو اصلی و هم مشاورعلمی و یگانه زبانشناس در کمسیون تدوین رسالۀ املاء در کابل بود. از محترمه پوهندوی شیماغفوری باید امتنان داشت که با استقبال از مقالۀ شاغلی فارانی، متن اصلی و چاپ شدۀ رسالۀ املاء را با متن دستکاری شدۀ پوهیالی پویا فاریابی منتشرۀ کامپیوتر، مقایسه و تدقیق نموده، تصرفات و دستکاری های پویا فاریابی را برملاء ساخته اند.

در اخیرشهادت میدهم که مرحوم پوهاند نسیم نگهت بارعمدۀ کارهای پروژه های املاء و انشاء، از قبیل ترتیب مجالس و آجندای مذاکرات و رو نوشت نتیجۀ هر مجلس، را در مدت چند سالی که در زمینه همکار بودیم به عهده داشت و باید نام آن مرحوم در جملۀ اعضای کمسیون اصلی و قدیمی این پروژه ها درج و ثبت گردد .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

یادداشت : از محترمه پوهندوی شیماغفوری تقاضاء میشود یک کاپی نسخهٔ اصلی رسالهٔ املاء را که در آرشیف خود دارند توسط پوسته به آدرس پوستی من ارسال و ممنون سازند .

E-Mail: afghanmirror۳@yahoo.com

Address: P.O. Box ٤١٨
Montclair, CA ٩١٧٦٣
USA

مقالهٔ سوم دانشمند محترم سید مسعود فارانی به موضوع تأریخچه و سیر زبان دری متوجه شده، ملاحظات معقول و منطقی و مفید برای افغانها دارد. تبصره های من در بعضی موارد مقتضیات مسلکی خواهند داشت:

اینکه شاغلی فارانی میفرمایند: "قدامت زبان دری را به دو هزار سال به شهادت کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان پیوند میزنند....با تشابه یک چند کلمه که از متن کتیبه بدست آمده است، نمیشود که آنرا به قدامت زبان دری پیوند داد. اگر باالفرض اینرا قبول کنیم که همین کتیبه و این نوشته دری است، پس تعجب برانگیز نخواهد بود که تا زمان رسم الخط عربی این زبانرا که قدامت میدهند، غیر کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان دیگر هیچ سند کتبی یا غیر کتبی از آن در دست نیست"...

عرض میشود: کتیبهٔ سرخ کوتل به زبان دری نبوده، بلکه بزبان یونانی نوشته شده و در آن چند کلمهٔ اصیل و خالص دری (از قبیل آب، پور، بمعنی قلعه) و امثالهم برسم الخط یونانی وجود دارد و قدامت این نوشته حدود دو هزار سال تثبیت شده- این قدامت بیانگر این واقعیت است که زبان دری در دورهٔ استیلای یونان در افغانستان وجود داشته است – کتیبه های دیگری از تورفان(ختن–سنکیانگ امروزی) نیز یافت شده که کلمات بیشتر زبان دری در آن وجود دارند، اما قدامت آن بسیارجوانتر از کتیبهٔ سرخ کوتل است. نام بغلان با تلفظ (بغولانگا) نیز در کتیبهٔ سرخ کوتل شامل است. کتیبهٔ بغولانگاه یگانه و بهترین سند است در مقابل انحصار طلبی های ایران، زیرا تا کنون هیچ سند بهتر و معتبر تر ازین یافت نشده که قدامت موجودیت زبان دری را در افغانستان در حدود دو هزار سال قبل نشان بدهد. مرحوم پوهاند نسیم نگهت همراه با مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی بالای این کتنبه بسیار کار کرده و اسناد آن در آرشیف من موجود است. بر ما افغانهاست تا از کتیبهٔ سرخ کوتل به حیث یگانه سند معتبر در ثبوت موجودیت و استعمال دو هزار سالهٔ زبان دری در افغانستان دفاع کنیم.

در بارهٔ شکل مکتوب زبان دری با شاغلی فارانی موافقم که: "تا قبل از قرن دوم هجری بدون شک سند در دست نیست که شعری یا اثری یا نشانه ای از زبان دری کتابت شده باشد. "اما آنچه از آثار منظوم رودکی و شاعران دیگر آنزمان باقیمانده، مطالعات از زاویهٔ علوم نحو و معانی نشان میدهد که مردم منطقه ایکه در آنزمان خراسان نامیده میشد، نه تنها رسم الخط زبان عربی را بسیار زود و به سهولت آموختند، بلکه پختگی کلام منظوم شان از لحاظ منطق و جهان بینی (فلسفه) بیانگر موجودیت زبان پختهٔ دری، قرنها پیش از آن آثار بوده است. زبانشناسی شعبه ای از علم وسیع بشر شناسی است، این دو علم از مطالعات خود در چگونگی تحول در مهارتهای زبانی انسان باین نتیجه رسیده اند که این تحول زود گذر نی، بلکه دیر پا بوده است. بنا برآن پختگی کلام منظوم رودکی شب در میان بوجود نیامده است – آغاز این تحول را حداقل تا پنجصد سال در ما قبل از دورهٔ رودکی تخمین کرده اند.

با این نظر و شناخت دانشمند فارانی موافقم که: "مقاومت در برابر اصطلاحات علمی در ایران بیشتر از افغانستان است (چونکه) سطح تنگ نظری ها و عرب ستیزی ها در ایران بالاتر است...و علت آن استفادهٔ نا مشروع از زبان منحیث افزار سیاسی...و ناسیونالیزم تنگ نظرانهٔ زکارهٔ حاکم در ایران میباشد"..

این نظر شاغلی محترم فارانی که: "زبان قدامتش مهم نیست، بلکه زایش اش مهم است، یعنی استحصال درین زبان تاچه حد امکان دارد؟ "جنبهٔ مفید تربیتی دارد که در افغانستان درین ساحه نهایت غفلت شده است. به نظراین قلم زایش و استحصال در ایران بمراتب بیشتر از افغانستان است، زیرا در آنجا سالانه بیشتر از ده هزار کتاب به نشرمی رسد، اگر چه محترم فارانی این زایش را "بسیار اندک که قابل بحث نیست" میخواند، چونکه اکثر ماهیت مذهبی میداشته باشند، نه علمی و فلسفی، معهذا همین زایش ایران را به حیث یک کشور صنعتی در آورده است. همین دیشب در اخبار شنیدم که ایران دو نوع طیارهٔ جدید، بشمول طیارهٔ بی پیلوت سریع الصوت اختراع کرده، اما در افغانستان، ما هنوز مصروف پوقانه و جرنگانه استیم. قلت روز افزون زایش در ساحه های علمی و فرهنگی در افغانستان مردم را به مواد مخدر، سانقه بازی، نشان زنی، تفنگ سازی و تفنگداری، سرقت و قتل، درایوری و پرزه ساختن موتر ها، مصروف ساخته است. سرمایه داران افغان عوض آنکه ثروت خود را در یک ساحهٔ مفید و مولد بکار اندازند، جرنگانه یا (طلوع) میسازند و در خدمت عرب ستیزی و استفادهٔ سیاسی ایران قرار میگیرند .

شاغلی محترم فارانی فهرست کلمات مسخرهٔ زبان پهلوی مثل (اخیش، ویژه، واژه، واژگون، واژونه، باشگونه (یا "واژگشت" به جای کلمهٔ مأنوس و زیبای "انقلاب سیاسی"، - کلمات آرامی دبه و دبیر، و کلمات نو برآمد: بنا = علت، بناری = معلول، کلمهٔ آبجکت فرانسوی = براخ، و کلمهٔ آبجکتیف فرانسوی = به راحتی را که در ایران رایج شده، در مقالهٔ خود فراهم ساخته و این قلم کلمات مذکور را بار دیگر در انترنت می سپارد تا بزودی از زبان طوطی های طلوع باز شنیده شوند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

با تشکر و امتنان از دانشمند محترم فارانی که فرصت یک مطالعه را به من میسر ساختند.

تا یکنفر افغان است – زنده افغانستان است. عرض حرمت.

خدمتگار افغانستان – سیدخلیل ا لله هاشمیان – ۱۵ دسمبر ۲۰۱٤

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ